



بیمارستان حضرت ولیعصر (عج)
شهرستان بوانات

وصیت نامه شهید حاج همت

شهید حاج محمد ابراهیم همت در دومین وصیت نامه بجامانده از خود نوشته است:
خویشتن را در قفس محبوبس می بینم و می خواهم از قفس به در آیم. سیمهای خاردار مانعند من از دنیای ظاهر فریب مادیات و همه آنچه که از خدا باز می دارد متنفرم.

اولین وصیت نامه شهید همت:

به تاریخ 59/10/19 شمسی ساعت 10:10 شب چند سطری وصیت نامه می نویسم

: هر شب ستاره ای را به زمین می کشند و باز این آسمان غم زده غرق ستاره است ،

مادر جان می دانی تو را بسیار دوست دارم و می دانی که فرزندت چقدر عاشق شهادت و

عشق به شهیدان داشت. مادر، جهل ماکم بر یک جامعه انسانها را به تباهی می کشد و

حکومت های طاغوت مکمل های این جهل اند و شاید قرنهای طول بکشند که انسانی از

سلاله پاکان زائیده شود و بتواند رهبری یک جامعه سر در گم و سر در لاک خود فرو برده

را در دست گیرد و امام تبلور ادامه دهندگان راه امامت و شهادت و شهادت است.

مادر جان، به خاطر داری که من برای یک اطلاعیه امام حاضر بودم بمیره ؟ کلام او الهام

بخش روح پرفتوح اسلام در سینه و وجود گنبدیده من بوده و هست. اگر من افتخار

شهادت داشتیم از امام بخواهید برایم دعا کنند تا شاید خدا من رو سیاه را در درگاه با عظمتش به عنوان یک شهید بپذیرد ؛ مادر جان من متنفر بودم و هستم از انسانهای سازش کار و بی تفاوت و متاسفانه جوانانی که شناخت کافی از اسلام ندارند و نمی دانند برای چه زندگی می کنند و چه هدفی دارند و اصلا چه می گویند بسیارند. ای کاش به خود می آمدند. از طرف من به جوانان بگوئید پیشم شهیدان و تبلور فونشان به شما دوخته است بیافیزید و اسلام را و خود را دریابید نظیر انقلاب اسلامی ما در هیچ کجا پیدا نمی شود نه شرقی - نه غربی؛ اسلامی که : اسلامی ... ای کاش ملتهای تمت فشار مثلث زور و زر و تزویر به خود می آمدند و آنها نیز پوزه استکبار را بر خاک می مالیدند. مادر جان، جامعه ما انقلاب کرده و چندین سال طول می کشد تا بتواند کم کم صفات و افلاق طاغوت را از مخزن انسانها بیرون ببرد ولی روشنفکران ما به این انقلاب بسیار لطمه زدند زیرا نه آن را می شناختند و نه باریش زحمت و رنجی متحمل شده اند از هر طرف به این نو نهال آزاده ضربه زدند ولی خداوند، مقتدر است اگر هدایت نشدند مسلما مجازات فوهند شد . پدر و مادر ؛ من زندگی را دوست دارم ولی نه آنقدر که آلوده اش شوم و فویشن را کم و فراموش کنم علی وار زیستن و علی وار شهید شدن. مسین وار زیستن و مسین وار شهید شدن را دوست می دارم شهادت در قاموس اسلام

کاری‌ترین ضربات را بر پیکر ظلم، جور، شرک و الماد می‌زند و خواهد زد. ببین ما به چه
روزی افتاده ایم و استعمار چقدر جامعه ما را به لجنزار کشیده است ولی چاره ای
نیست اینها سد راه انقلاب اسلامیند ؛ پس سد راه اسلام باید برداشته شوند تا راه
تکامل طی شود مادر جان به خدا قسم اگر گریه کنی و به خاطر من گریه کنی اصلا از تو
راضی نخواهم بود. زینب وار زندگی کن و مرا نیز به خدا بسپار (اللهم ارزقنی توفیق
الشهادة فی سبیلک) .

و السلام؛

محمد ابراهیم همت

دومین وصیت نامه شهید همت:

به نام خدا

نامی که هرگز از وجودم دور نیست و پیوسته با یادش آرزوی وصالش را در سر داشتم.

سلام بر مسین(ع) سالار شهیدان اسوه و اسطوره بشریت.

مادر گرامی و همسر مهربانم پدر و برادران عزیزم!

درد فدا بر شما باد که هرگز مانع حرکت در راه فدا نشدید. چقدر شماها صبورید. خودتان می دانید که من چقدر به شهیدان عشق می ورزیدم غنچه هایی که (کبوترانی که) همیشه در مال پرواز به سوی ملکوت اعلایند. الگو و اسوه هایی که معتقد به دادن جان برای گرفتن بقا (بقا و میات ابدی) و نزدیکی با فدای چرا که «ان الله اشتری من المومنین». من نیز در پوست خود نمی گنجم. گمشده ای دارم و فویشتن را در قفس محبوس می بینم و می خواهم از قفس به در آیم. سیمهای خاردار مانعند. من از دنیای ظاهر فریب مادیات و همه آنچه که از فدا باز می دارد متنفرم (هوای نفس شیطان درون و خالص نشدن)

در طول جنگ برادرانی که در عملیات شهید می شدند از قبل سیمایشان (رومانی و نورانی می شد و هر بی طرفی احساس می کرد که نوبت شهادت آن برادر فرا رسیده است. عزیزانم! این بار دوم است که وصیت نامه می نویسم ولی لیاقت ندارم و معلوم است که هنوز در بند اسارتیم هنوز خالص نشده ام و آلوده ام.

از شروع انقلاب در این راه افتادم و پس از پیروزی انقلاب نیز سپاه را پناهگاه خوبی برای مبارزه یافتیم ابتدا در گیری با ضد انقلاب و خوانین در منطقه شهرضا (قمشده) و سمیرم سپس شرکت در فوزستان و جریان گروهک ها در فرمشهر پس از آن سفر به سیستان و

بلوچستان (چابهار و کنارک) و بعدا حرکت به طرف کردستان دقیقا دو سال در کردستان هستم. مثل این است که دیگر جنگ با من عمین شده است.

فداوند تا کنون لطف زیادی به این سراپا گنه کرده و توفیق مبارزه در راهش را نصیب کرده است. اکنون من می (روم با دنیایی انتظار انتظار وصال و رسیدن به معشوق. ای عزیزان من توجه کنید:

*1- اگر فداوند فرزندی نصیب کرد با اینکه نتوانستم در طول دورانی که همسر انتخاب کردم حتی یک هفته فانه باشم دلم می فواهد او را علی وار تربیت کنید. همسر انسان فوق العاده ایست او صبور است و به زینب عشق می ورزد او از تربیت کردن صحیح فرزنده لذت فواهد برد چون راهش را پیدا کرده است. اگر پسر به دنیا آورد اسم او را مهدی و اگر دختر به دنیا آورد اسم او را مریم بگذارید. چون همسر از این اسم فوشش می آید.

2- امام مظهر صفا پاکی و خلوص و دریایی از معرفت است. فرامین او را مو به مو اجرا کنید تا فداوند از شما راضی باشد زیرا او ولی فقیه است و در نزد خدا ارزش والایی دارد.

3- هر چه پول دارم اول بدهی مکه مرا به پیگیری سپاه تهران (ستاد مرکزی) بدهید و

بقیه را همسر هر طور خواست فرج کند.

4- ملت ما ملت معجزه گر قرن است و من سفارشتم به ملت تداوم بخشیدن به راه

شهیدان و استعانت به درگاه خداوند است تا این انقلاب را به انقلاب حضرت

مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) وصل نماید و در این تلاش پیگیر مسلما نصر خدا

شامل حال مومنین است.

5- از مادر و همه فامیل و همسر اگر به فاطر من بی تابی کنند راضی نیستم. مرا به

خدا بسپارید و صبور و شجاع باشید.

مقیر حاج همت